جلسه 154- 1396

**یکشنبه - 26/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر واجب مقید بشود به زمان، مثل اینکه نماز مقید است به نهار، آیا با استصحاب بقاء نهار می شود اثبات کرد که این صلاة ما در زمان مشکوک صلاة فی النهار است، یا اینکه این اصل مثبت است؟

خلاصه دو اشکال در استصحاب زمان وجواب آن

دو اشکال مهم بود که به نظر ما هر دو قابل جواب بود:

یکی اینکه گفته می شد چون زمان قید واجب است و امر تعلق می گیرد به تقید واجب به آن قید، نه به خود قید، مخصوصا که قید غیر اختیاری است و قابل تعلق امر نیست، استصحاب بقاء نهار برای اثبات تقید الصلاة بالنهار یعنی اتصاف الصلاة بکونها فی النهار اصل مثبت هست.

که ما جواب دادیم، گفتیم چون این تقید مستفاد از حروف هست مثل حرف فی، الصلاة فی النهار، و معنای حرفی معنای آلی و اندکاکی هست و عرف به آن لحاظ مستقلی نمی کند، اگر استصحاب بقاء نهار جاری بشود ولی مکلف آثار تقید الصلاة بالنهار را بار نکند عرف این را نقض یقین به شک می داند.

اشکال دوم این بود که گفته می شد خود این استصحاب بقاء نهار نمی تواند قید الواجب را اثبات کند تا چه برسد که تقید الواجب را اثبات کند، چون قید الواجب به نحو مفاد کان ناقصه است، استصحاب بقاء نهار به نحو مفاد کان تامه قید واجب را که مفاد کان ناقصه است نمی تواند اثبات کند، تا چه برسد که شما بگوئید استصحاب بقاء قید برای ترتیب آثار تقید اصل مثبت نیست. چون گفته می شد الصلاة فی النهار مثل الصلاة فی المسجد هست، یعنی الصلاة فی زمان و یکون ذلک الزمان نهارا، مثل الصلاة فی المسجد که الصلاة فی مکان و یکون ذلک المکان مسجدا، و استصحاب بقاء نهار اثبات نمی کند که این زمان که زمان مشکوک است و در آن نماز خواندیم نهار است. هیچگاه استصحاب به نحو مفاد کان تامه اثبات مفاد کان ناقصه نمی کند، استصحاب بقاء آب کر در این منزل ثابت نمی کند که این آبی که امروز می بینیم و شاید غیر از آب دیروز باشد، (آب دیروز را شاید خالی کرده اند از این حوض وآب جدید پر کرده اند)، استصحاب بقاء ماء کر در این حوض به نحو مفاد کان تامه ثابت نمی کند هذا الماء کرٌّ.

که ما در جواب عرض کردیم که استظهار عرفی ما در صلاة فی النهار این است که قید مفاد کان تامۀ نهار است، یعنی کون الصلاة فی زمان وجود النهار، به نحو کان تامه وجود النهار قید اخذ شده است.

ما دلیلمان بر این استظهار یک منبه عرفی است، که اگر مولا به عبدش بگوید صل فی النهار، شک بکند این عبد در بقاء نهار، مولا به او گفته است لاتنقض الیقین بالشک ابدا، اگر این عبد آثار صلاة فی النهار را بار نکند بر نماز در این وقت مشکوک النهاریة، عرف می گوید چرا نقض یقین به شک می کنی، مگر مولا نگفت صل فی النهار و اذا صلیت فی النهار فافعل کذا، خوب استصحاب می گوید روز باقی است، شما هم که نماز خواندی، دیگر چه مشکلی داری؟

سؤال وجواب: استصحاب کان تامه چرا جاهای دیگر اثبات مفاد کان ناقصه نمی کرد بالوجدان؟ چرا استصحاب اینکه در این خانه عالم هنوز موجود است ثابت نمی کرد که این زید که الان در خانه می بینیم عالم است؟ چون این از اوضح انحاء اصل مثبت بود. معلوم می شود که در اینجا استظهار عرفی این است که قید واجب وجود النهار به نحو مفاد کان تامه است.

سؤال وجواب: ما همان متعلق را می گوئیم. وانگهی ما که از اشکال اول گذشتیم، بحث در این است که صلاة فی النهار ظهور دارد طبق ادعای این مستشکل در کان ناقصه مثل صلاة فی المسجد، ولو موضوع باشد، چه جور من صلی فی المسجد فله کذا یا یفعل کذا ظهور دارد در صلاة فی مکان و یکون ذلک المکان مسجدا ولو موضوع باشد، اما قید این موضوع مفاد کان ناقصه است، مستشکل می گوید من صلی فی النهار هم همینطور است.

منتهی در بحوث مثل محقق عراقی گفتند که استصحاب در زمان به نحو مفاد کان ناقصه جاری است، اشکال این بود که اولا: استصحاب به نحو مفاد کان ناقصه به نظر ما جاری نبود وفاقا للسید الخوئی. ثانیا: عرض کردیم که قید واجب اگر کان ناقصه باشد این است که کون هذا الزمان کون هذا الان نهارا، و استصحاب در اینکه الزمان کان نهارا به نحو زمان موسع به درد نمی خورد.

جواب از این اشکال منحصر به همین مطلب است که عرض کردیم که استظهار عرفی در زمان غیر از استظهار عرفی او در مکان است، مثل استظهار عرفی من صلی فی یسر، من صلی فی یسر یعنی صلی مع الیسر، نه صلی فی حال و یکون ذلک الحال یسرا، این خلاف ظاهر است.

سؤال وجواب: عرض کردیم دو اشکال مهم هست، اشکال اول این بود که عنوان واجب تقید الصلاة بالنهار است. خوب جواب دادیم گفتیم استصحاب بقاء قید برای اثبات تقید اصل مثبت نیست. اشکال دوم این بود که گفتند قید مفاد کان ناقصه است، و استصحاب بقاء قید جاری نیست تا چه برسد به اینکه تقید را اثبات کند. ما گفتیم نخیر، قید مفاد کان تامه است در زمان، و استصحاب بقاء قید جاری است و مشکلی ندارد.

محقق اصفهانی: عدم امکان اثبات صلات نهاریة با استصحاب نهار

راجع به فرمایش محقق اصفهانی در بحوث دو تا ایراد گرفته اند. محقق اصفهانی مطالبی فرمود که ما دیروز عرض کردیم، ایشان فرمود الصلاة فی النهار این نهار اعم است از نهار واقعی و نهار تعبدی ظاهری، وقتی که شارع گفت نهار موجود است، شد این نهار ظاهری، این زمان شد زمان نهار ظاهری، وقوع صلاة در این زمان نهار ظاهری بالوجدان است. برخلاف اینکه شارع بگوید الصلاة النهاریة واجبة، محقق اصفهانی می گوید اگر شارع بگوید الصلاة النهاریة واجبة، یعنی امر به منشأ انتزاع نکند نگوید صل فی النهار، بلکه امر کند به این عنوان انتزاعی الصلاة النهاریة، ما این اشکال را می پذیریم که استصحاب بقاء نهار اثبات الصلاة النهاریة نمی کند.

استاد: اگر استصحاب نهار تعبدی را ثابت کند،‌ صلات نهاری هم ثابت میشود

که واقعا مطلب عجیبی است، اگر واقعا غمض عین کنید از اشکال دیروز ما و بپذیرید که الصلاة فی النهار یعنی الصلاة فی النهار الاعم من النهار الواقعی و الظاهری، و بگوئید استصحاب وقتی نهار ظاهری درست کرد وقوع الصلاة فی النهار الظاهری بالوجدان است. خوب صلاة نهاریه هم همین است، خوب الصلاة النهاریة هم اگر اعم بشود از الصلاة النهاریة الاعم من النهاریة الظاهریة و الواقعیة همین است. چه جور شما در فرض نهار واقعی نمازتان الصلاة النهاریة است، چون نهار بالوجدان است، وقتی قید بالوجدان بود تقید هم بالوجدان حاصل می شود، حالا شما وقتی می گوئید الصلاة النهاریة اعم است از نهار واقعی و ظاهری، خوب اینجا هم وقتی استصحاب نهار جاری شد نهار ظاهری بالوجدان است، و وقوع نماز و اتصاف نماز به اینکه نهاریه ظاهریه است بالوجدان می شود. الصلاة النهاریة این عنوان انتزاعی النهاریة وقتی منشأ انتزاعش اعم شد از نهار واقعی و نهار ظاهری، منشأ انتزاع بالوجدان موجود شد، وقتی منشأ انتزاع بالوجدان موجود شد محال است امر انتزاعی و عنوان انتزاعی موجود نشود.

سؤال و جواب: چه جور در الصلاة فی النهار استصحاب نهار اثبات می کرد تقید صلاة بالنهار را وجدانا، و این اثر داشت، اینجا هم استصحاب نهار اثبات می کند الصلاة النهاریة را و کفی به اثرا. اگر نهار اعم است از نهار واقعی و ظاهری، خوب استصحاب نهار که جاری شد می شود نهار ظاهری، منشأ انتزاع بالوجدان موجود می شود، محال است عنوان انتزاعی الصلاة النهاریة موجود نشود.

دواشکال بحوث بر محقق اصفهانی: 1- اعتبار شارع ظرف تحقق صلات نیست

در بحوث دو تا ایراد گرفته اند به کلام محقق اصفهانی، چون این فرمایش خالی از فائده نیست عرض می کنم همراه با جواب از این دو ایراد:

ایراد اول بحوث بر محقق اصفهانی: این است که فرموده اند: آقا نهار واقعی ظرف است می تواند نماز در او واقع بشود، ولی نهار تعبدی تعبد شارع است، نهار تعبدی یعنی اعتبار الشارع نهاریة هذا الزمان، اعتبار شارع که ظرف نیست برای فعل مکلف. نماز در اعتبار شارع واقع شد، مگر اعتبار شارع قابلمه است که نماز در او واقع بشود؟! حالا نهار واقعی ظرف زمانی است مثل ظرف مکانی، اما دیگر اعتبار شارع که ظرف نیست[[1]](#footnote-1).

استاد: نهار تعبدی ظرف است

اقول: این اشکال واقعا عجیب است، چون محقق اصفهانی می گوید الصلاة فی النهار یعنی الصلاة فی زمان وجود النهار، الصلاة فی زمان وجود النهار اما وجودا واقعیا او وجودا تعبدیا ظاهریا، نمی گوید الصلاة فی اعتبار الشارع، بلکه الصلاة فی زمان وجود النهار اما وجودا واقعیا او وجودا ظاهریا، الان که استصحاب نهار جاری شد این زمان زمان وجود ظاهری نهار است، می شود الصلاة فی زمان وجود النهار ظاهرا، این شد ظرف، این چه مشکلی دارد؟

سؤال و جواب: صل فی النهار می شود صل فی زمان وجود النهار دیگر، محقق اصفهانی می گوید این وجود النهار اعم است از وجود واقعی یا ظاهری، تمام شد و رفت. در بحوث گفتند الصلاة فی النهار الظاهری می شود یعنی الصلاة فی اعتبار الشارع، اعتبار شارع که ظرف نیست که صلاة در او واقع بشود. ما می گوئیم چرا اینجور معنا می کنید، بگوئید الصلاة فی زمان وجود النهار اعم از وجود واقعی یا وجود ظاهری.

2- برای صدق نقض عملی یقین به شک بایستی مستصحب اثر داشته باشد

اشکال دوم بحوث به محقق اصفهانی: گفته اند جناب محقق اصفهانی! اینجور که شما گفتید دیگر نهار واقعی از موضوع اثر بودن خارج شد، مستصحب یا باید حکم شرعی باشد یا موضوع حکم شرعی یا متعلق حکم شرعی، که اثر بر وجود مستصحب بار بشود تا صدق کند نقض یقین به شک عملا، که نقض عملی نکن یقین را به شک. شما کاری کردید که نهار واقعی موضوع اثر نیست استصحاب نهار موضوع اثر است، و این کافی نیست در جریان استصحاب، در جریان استصحاب شرط است که واقع اثر عملی داشته باشد، که به لحاظ آن اثر عملی واقع مستصحب بگویند نقض عملی نکن یقین را با شک در آن. که این کبری مطلب درستی است و ما هم با ایشان در این کبری موافقیم.

در بحوث می گویند اگر مستصحب هیچ اثر عملی نداشت، اثر عملی برای استصحاب بود، مثلا این دیوار سفید است این چه اثر عملی دارد، هیچ اثر عملی ندارد، سفید باشد سیاه باشد، اثر عملی علم به سفید بودن این دیوار دارد که علم به سفید بودن این دیوار موضوع جواز إخبار است، در بحوث گفته اند و درست هم گفته اند که دلیل استصحاب چون مفادش نهی از نقض عملی یقین به شک است نه صرف تعبد به بقاء یقین، اگر دلیل استصحاب می گفت انت علی یقین بقاءا، اثر شرعی بر خود یقین هم بار می شد مهم نبود، اما دلیل استصحاب مفادش نهی از نقض عملی یقین به شک است، نهی از نقض عملی یقین به شک در جائی صدق می کند که واقع که می خواهیم آن را استصحاب کنیم یک اثری دارد که به لحاظ آن اثر می گویند لاتنقض الیقین بالشک، و الا در مورد این دیوار که سفید است بگویند لاتنقض الیقین به سفید بودن این دیوار را با شک در آن، نقض عملی نکن، مثلا چه کار نکنم؟ بله اگر می گفت انت عالم ببقاء بیاض هذا الجدار، مهم نبود، ما می گفتیم اثر عملی خود استصحاب هم داشته باشد کافی است. اما لسان استصحاب که این نیست، لسان استصحاب نهی از نقض عملی یقین به شک است، و این قصور دارد که شامل جائی بشود که واقع مستصحب هیچ اثر عملی ندارد. این مطلب مطلب درستی است.

ولی ایشان از این مطلب اینجا استفاده کرده است، گفته است جناب محقق اصفهانی! شما کاری کردید که نهار واقعی دیگر موضوع اثر نیست، بلکه استصحاب نهار شرط نماز است، جامع بین نهار واقعی و نهار ظاهری شرط نماز است، پس نهار واقعی دیگر شرط نماز نیست، مستصحب ما از موضوع اثر بودن افتاد و دیگر استصحاب در مورد او جاری نمی شود.

استاد: اولا به لحاظ وجوب نهار واقعی موضوع است

اقول: به نظر ما این اشکال در مانحن فیه وارد نیست، چرا؟ برای اینکه اولا: نهار به لحاظ اثر وجوب هنوز موضوع اثر است، اذا وجد النهار یجب الصلاة فی النهار، ما استصحاب نهار می کنیم به لحاظ اثر وجوب، بعد خودبخود محقق اصفهانی می گوید نهار ظاهری درست می شود، نهار ظاهری که درست شد تقید الصلاة بالنهار محقق می شود، به لحاظ آن اثر دیگر یعنی اثر ترتب وجوب بر وجود نهار که وجوب از آثار وجود نهار واقعا هست، به آن لحاظ استصحاب نهار جاری می کنیم. این زمان می شود زمان نهار ظاهری، زمان نهار ظاهری که شد وقوع الصلاة فی زمان النهار الظاهری بالوجدان است.

ثانیا: نهار واقعی عدل نهار تعبدی است

ثانیا: آقا! ما که نهار واقعی را از موضوع اثر بودن بالمرة نینداختیم، او هنوز عدل است برای شرط الواجب، شرط الواجب طبق نظر محقق اصفهانی دو عدل دارد: یکی وجود النهار واقعا و یکی وجود النهار ظاهرا. ما اگر می گفتیم وجود النهار واقعا دیگر اصلا موضوع اثر نیست، اشکال قابل توجه بود، اما محقق اصفهانی می گوید شما نمازتان یا باید در نهار واقعی باشد ولو فکر می کردید و احتمال می دادید هنوز روز نشده، رجائا نماز خواندید بعد معلوم شد روز بوده، این کافی است، یا باید نماز در نهار واقعی باشد یا در نهار ظاهری. خوب استصحاب بقاء نهار می خواهد یک عدل شرط را اثبات کند، کفی به اثرا، ما استصحاب می کنیم بقاء نهار را به لحاظ اینکه یک عدل واجب را ما اثبات کنیم. پس بی اثر نیست.

سؤال و جواب: فرض این است که به تبع این استصحاب تقید هم بالوجدان حاصل می شود.

از این بحث بگذریم.

راجع به این استصحاب بقاء زمان اگر کسی مثل بحوث گفت ثابت نمی کند تقید الصلاة بالنهار را، عنوان واجب را اثبات نمی کند، بیخود تلاش نکنید. عنوان واجب که مثلا تقید الصلاة بالنهار است بخواهد با استصحاب نهار اثبات بشود اصل مثبت است.

می خواهیم ببینیم اگر این اشکال مسجل شد راه دیگری برای حل مشکل وجود دارد یا وجود ندارد؟

مرحوم شیخ انصاری: استصحاب بقاء وجوب

مرحوم شیخ انصاری فرموده: خوب ما استصحاب می کنیم بقاء وجوب را، استصحاب نمی کنیم بقاء نهار را، استصحاب می کنیم بقاء وجوب را، می گوئیم قبلا وجوب صلاة فی النهار بود استصحاب می گوید الان هم وجوب صلاة فی النهار هست. نمی خواهیم اثبات کنیم با استصحاب بقاء نهار که نماز ما در این زمان مشکوک صلاة فی النهار است، ما استصحاب می کنیم بقاء وجوب را و با این استصحاب مشکل را حل می کنیم.

استاد: استصحاب بقاء وجوب فقط اثر تنجیزی دارد،‌ نمیتواند مثبت تحقق متعلق باشد

اقول: این فرمایش مرحوم شیخ واضح نیست، اگر ایشان می خواهد با این استصحاب بقاء وجوب عنوان الصلاة فی النهار را اثبات کند، اینکه فرار من المطر الی المیزاب است، استصحاب نهار طبق فرض نتوانست اثبات کند تقید الصلاة بالنهار را و اتصاف الصلاة بکونها فی النهار، شما پناه بردید به استصحاب بقاء وجوب که بخواهد اثبات کند وجوب الان هست پس اگر من الان نماز بخوانم نمازم در نهار است؟ خوب اینکه از اوضح انحاء اصل مثبت است.

ولذا بعضی مثل بحوث گفته اند: ما استصحاب بقاء وجوب یا استصحاب بقاء نهار برای اثبات وجوب (نه برای اثبات اتصاف الصلاة بکونها فی النهار را)، با این ثابت می کنیم که در این آنِ مشکوک وجوب نماز باقی است، خود همین منجِّز است. درست است اگر ما نماز بخوانیم ثابت نمی شود نمازمان متصف است بکونها فی النهار، اما استصحاب بقاء وجوب می گوید که الان بر تو منجز است وجوب صلاة فی النهار. و این استصحاب می گوید ولو شک داری در قدرت ولی باید احتیاط کنی، شک داری که در این زمان مشکوک می توانی نماز فی النهار بخوانی یا نمی توانی، شاید نتوانی، شاید دیگر نهار نیست و دیگر نمی توانی صلاة فی النهار بخوانی، شک در قدرت داری، ولی استصحاب بقاء وجوب منجز تکلیف است، و شک در قدرت مجرای قاعده اشتغال است.

شک در قدرت بر امتثال در فرض ثبوت حکم واقعی، نداریم

بنده اضافه می کنم می گویم مخصوصا در اینجا که اگر این استصحاب مطابق با واقع باشد و حکم واقعی ثابت باشد یقینا مقدور هم هست، اگر استصحاب بقاء وجوب مطابق با واقع باشد و الان وجوب صلاة فی النهار باقی باشد یعنی فی علم الله الان هنوز نهار باقی است و من قادر بر اتیان صلاة فی النهار هستم، این شک در قدرت قطعا مجرای قاعده اشتغال است. یک وقت همینجوری شک در قدرت داریم، اما یک وقت در مانحن فیه اگر این استصحاب بقاء وجوب مطابق با واقع باشد و حکم واقعی وجوب صلاة فی النهار باشد الان، یقینا مقدور است، پس شک در قدرت بر امتثال حکم واقعی علی فرض وجود حکم واقعی ما نداریم، علم داریم اگر حکم واقعی ثابت باشد طبق این استصحاب، مقدور هم هست.

بحوث: عدم نیاز به استصحاب، قاعده اشتغال کافی است

در بحوث گفته اند ما اصلا احتیاج به استصحاب هم همه جا نداریم، در جائی احتیاج به استصحاب داریم که قبلا وجوب صلاة فی النهار منجز نشده است، مثلا الان این آقا مکلف شد بالغ شد یا الان متذکر شد، اینجا ما نیاز داریم به استصحاب بقاء النهار برای اثبات وجوب، ولو ثابت نمی شود که این صلاة ما صلاة فی النهار است. اما اگر از قبل این مکلف متذکر بود، عمدا نمازش را تأخیر انداخت تا این وقت مشکوک، البته نباید تأخیر می انداخت، چون با این کارش احراز امتثال دیگر نمی کند، چرا تأخیر انداختی نماز را تا این زمان مشکوک، قبلا باید نماز می خواندی تا احراز کنی امتثال صلاة فی النهار را، ولی حالا این آقا تأخیر انداخت تا زمان شک رسید، اینجا همان تنجز تکلیف سابق اقتضاء می کند لزوم اتیان به این نماز را در این وقت مشکوک، نیاز به استصحاب هم نیست.

اقول: حالا برفرض نیاز به استصحاب نباشد، اما ما استصحاب داریم و مشکلی ندارد.

عدم امکان اثبات آثار صحت عمل با استصحاب وجوب؛ بلکه استصحاب مثبت عدم اتیان به عمل صحیح است

ولکن عرض ما به بحوث این است که آقا درست است که برای تنجز اتیان به صلاة در این وقت مشکوک ما مشکلمان برطرف شد، استصحاب بقاء نهار کردیم یا استصحاب بقاء وجوب کردیم ثابت شد الان وجوب صلاة فی النهار باقی است، اما آثار موضوعی صلاة فی النهار را شما خودتان قبول دارید که نمی توانید بار کنید، چون استصحاب زمان را گفتید اثبات الصلاة فی النهار نمی کند، یعنی ما اگر امتثال واجب در این زمان موضوع اثر بود، کسی که نماز در نهار نخواند واجب است قضاء کند آن را، کسی که رمی جمره عقبه نکند در نهار یوم العید واجب است فردای آن روز قضاء کند آن را. شما فوقش می گوئید احتیاطا برو رمی جمره عقبه بکن در این زمان مشکوک، اما این نسبت به نفی وجوب قضاء رمی جمره عقبه در فردا اصل مثبت خواهد بود، ما نمی تواینم بگوئیم رمی جمره فی النهار کردیم، مگر استصحاب بقاء نهار را برای اثبات رمی فی النهار اصل مثبت ندانیم، اما شما اصل مثبت می دانید.

سؤال وجواب: استصحاب عدم تحقق الرمی فی النهار اصل موضوعی است، می گوید من ترک رمی الجمرة فی نهار یوم العید فعلیه أن یرمی جمرة العقبة فی الیوم الحادی عشر. اگر موضوع وجوب قضاء فوت باشد، بله برائت از وجوب قضاء جاری می شود، اما اگر موضوع وجوب قضاء فوت نباشد، مثل اینکه یک مثال بزنم، ذبح فی نهار یوم العید را مثال بزنم خیلی واضح است که موضوع وجوب ذبح در روز یازدهم که فوت نیست، مشهور می گویند واجب است مبادرت به ذبح هدی در نهار یوم العید، استصحاب می گوید الان نهار یوم العید باقی است، آقای صدر می گوید این ثابت نمی کند که ذبح تو ذبح فی یوم العید است. ما می گفتیم ثابت می کند، آقای صدر می گویند ثابت نمی کند اصل مثبت است. خیلی خوب ثابت نکرد، ولی منجز کرد بر من ذبح در این زمان مشکوک را، باید بروم یک فیش تهیه کنم این گوسفند را در این زمان مشکوک ذبح کنم، اما فردا که می شود یعنی روز یازدهم استصحاب می گوید هنوز ذبح فی النهار نکردی، و واجب است بر حاج متمع ذبح هدی، ولو یک وجوب آخری هم داشتیم و هو وجوب مبادرت به ذبح هدی فی نهار یوم العید، اما استصحاب بقاء نهار فقط اثبات کرد که هنوز وجوب فوری هست، اما ثابت نکرد ذبحت فی نهار یوم العید، و لذا استصحاب می گوید لم تذبح فی نهار یوم العید، این طبیعی ذبح فی النهار را شک داری امتثال کردی یا نه باید احراز امتثال کنی با ذبح در روزهای دیگر، این مناسب بود مطرح بشود. این یک مطلب.

جریان برائت از وجوب نماز در زمان مشکوک

مطلب دیگر راجع به همین مثال صلاة فی النهار که ایشان مثال زده مثال بزنیم: ایشان می گویند لقائل ان یقول که آقا! درست است استصحاب اثبات کرد بقاء وجوب صلاة فی النهار را، این را اثبات کرد، اما ثابت نکرد که این صلاة در این زمان مشکوک صلاة فی النهار است. ما می آییم برائت جاری می کنیم، برائت جاری می کنیم از وجوب نماز در این زمان مشکوک. شما چه کردید با استصحاب؟ استصحاب گفت هنوز وجوب صلاة فی الوقت باقی است، اما اثبات نکرد وجوب صلاة را در این زمان مشکوک، این را که اثبات نکرد، چون اثبات نکرد که الان نماز نماز در نهار است، استصحاب گفت که وجوب نماز در وقت باقی است، اما نماز در این وقت مشکوک هم واجب است؟ این را که اثبات نکرد، ما بخاطر شک در قدرت گفتیم احتیاط بکنید.

اما قائل می گوید برائت جاری می کنیم از وجوب صلاة در این وقت مشکوک، وآن استصحاب بقاء وجوب صلاة حاکم بر این برائت نیست، چون مصبشان مختلف است، ما یک استصحاب کردیم وجوب اداء صلاة را، اما ثابت نکردیم که در این وقت مشکوک نماز واجب است، گفتیم آن وجوب نماز بین الحدین باقی است، اما واجب است نماز در این زمان مشکوک؟ این را که اثبات نکردیم، برائت می گوید نماز در این زمان مشکوک واجب نیست رفع عن امتی ما لایعلمون، و با جریان این برائت دیگر عقل حکم به اشتغال نمی کند، چون حکم عقل به اشتغال معلق است بر عدم ترخیص شارع. اگر استصحاب می آمد ثابت می کرد که نماز در این زمان مشکوک واجب است، این حاکم بود بر برائت، اما شما حالت سابقه وجوب نمازتان این است که نماز واجب است نماز بین الحدین واجب است، نه اینکه نماز در این وقت مشکوک واجب است، این را که نتوانستید اثبات کنید. و لذا هنوز نماز بین الحدین واجب است، شما ثابت نکردید که نماز در این وقت مشکوک واجب است، نماز بین الزوال و الغروب هنوز واجب است، اما اینکه نماز در این وقت مشکوک واجب است این اصل مثبت است. آنوقت برائت می گوید نماز در این وقت مشکوک واجب نیست، این برائت مقدم می شود بر آن قاعده اشتغال.

در بحوث خواسته اند از این اشکال تمسک به برائت جواب بدهند، تأمل بفرمائید انشاء الله تا فردا.

1. - بحوث ج6ص277 [↑](#footnote-ref-1)